

## رسول پویان

### پند تاریخ

از درد کهنه کشور من زخم بستر است  
آتشگرفته طره ای در خون شناور است  
دارو تقلبی و مداری بود، طبیب  
بیمار زیر تیغ ستم، جور خنجر است  
در گوش حاکمان وطن پنبه کرده اند  
ورنه ز ناله گوش تمام بشر کر است  
در گوش ما فسانه روز جزا مخوان  
در دوزخ وطن بخدا شور محشر است  
از بمب و انتحار به هر شهر و روستا  
گویی که لاله زار و گلستان احمر است  
شیخ سعود با قمه و تیغ خونچکان  
با مکر و حيله واعظ مسجد و منبر است  
بار دیگر هوای خراسان زده به سر  
خواهان بردگی و کنیزی و نوکر است  
آزادگان اسیر غلامی نمی شوند  
این پند نیک از دل تاریخ در سر است  
دوغ وطن ز شهد گوارای غیر به  
نان جوین ز کلچه بیگانه بهتر است  
یک قطره آب دامن کهسار میهنم  
شیرین تر از تمامی آبهای کوثر است  
یک بسوه خاک کهنه این ملک باستان

با ارزش تمام دو عالم برابر است  
گلدسته های معرفت و دانش وطن  
بربام قدس و کعبه و فردوس افسراست  
آوازه وطن که بود شهر آفتاب  
از غرب تا تمامی اقصای خاور است  
اقلیم بی کرانه جمشید و جام جم  
یارب چگونه بیکس و تنها وابتراست  
کاخ بلند مهد تمدن خراب گشت  
ویرانسرای بی سر و بی یارویاوراست  
سوگند بر تمدن و عشق و خلوص دل  
مهر وطن ز اوج ثریا فرا تر است

2014/11/26